

گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «من قاسم سلیمانی هستم»

حاج قاسم مصداق یک شیعه واقعی بود



■ احمد محمدتبریزی
ناصر کاوه از رزمندگان دفاع مقدس پس از شهادت شهید سلیمانی جزو اولین نفرانی بود که فعالیت‌های فرهنگی‌اش را تشدید و کتابی درباره ایشان منتشر کرد. کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» در روز چهارم شهید سلیمانی میان مردم توزیع شد و در فضای مجازی در مدت کوتاهی حدود یک میلیون خواننده پیدا کرد. کاوه برادر شهید کاظم کاوه از شهدای عملیات بدر است و دغدغه‌های زیادی در زمینه‌های فرهنگی دارد. کاوه در گفت‌وگو با «جوان» از جاذبه‌های شخصیتی شهید سلیمانی می‌گوید.

■ ایده کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» از کجا به ذهن‌تان رسید؟

من یکی دو بار حاج قاسم را در برنامه‌های مختلف دیده و در صحبت با ایشان گفته بودم اگر امکان دارد زندگی‌نامه و شرح نبردها و کارهایشان را بنویسید و بازگو کنید. من از سال‌ها پیش در فضای مجازی در رابطه با خاطرات شهدا مشغول کار هستم و خاطرات سردار سلیمانی را هم از مدافعان حرم و رزمندگان دفاع مقدس می‌شنیدم و در اینترنت می‌گذاشتم. به همین دلیل از قبل شهادت حاج قاسم اطلاعات خوبی درباره‌شان داشتم، منش سیاسی ایشان را دنبال می‌کردم و پیگیر فعالیت‌های سیاسی و دیپلماسی شهید سلیمانی بودم. اطلاعات زیادی را از منابع مختلف جمع می‌کردم و شناخت خوبی از حاج قاسم داشتم. زمانی که سردار سلیمانی شهید شد کمتر از ۲۰ روز پس از شهادت‌شان ما کار کتاب را انجام دادیم و قبل از چهارم حاج قاسم که به ۲۲ بهمن مصادف می‌شد آن را منتشر کردیم. جمعی از افراد را هم بانی گرفتیم و مثل یک نشر فرهنگی ۵ هزار جلد کتاب را چاپ و ۲۲ بهمن بین مردم به صورت رایگان توزیع کردیم. هم‌زمان نسخه الکترونیک کتاب را هم در فضای مجازی گذاشتیم. معمولاً کسی چنین کاری را انجام نمی‌دهد چون برای نویسندگان نفع مالی ندارد، ولی برای ما چنین چیزی مهم نبود و پول نمی‌خواستیم. حتی ما از جیبمان هم برای حاج قاسم خرج کردیم و کارمان نوعی زندر فرهنگی بود.

■ چرا به ایده نام «من قاسم سلیمانی هستم» رسیدید و کتاب به چه موضوعاتی درباره ایشان می‌پردازد؟

من موضوعی را شنیده بودم که دقیق نمی‌دانم صحت دارد یا شایعه است. می‌گویند وزیر دفاع امریکا پای مانی‌تورس می‌نشیند جمله «من قاسم سلیمانی هستم» می‌نویسد. این نزدیک تر باشم» را روی صفحه مانی‌تورس می‌بیند. این ماجرا برای خیلی جذابیت داشت و من نام کتاب را از این جمله برداشتم. کتاب شامل چند بخش می‌شود. در یک بخش به طور خلاصه زندگی‌نامه حاج قاسم را آوردیم. بعد یک سری خاطراتشان را تا آن زمان منتشر شده بود چاپ کردیم. تا یکی دو هفته بعد از شهادت ایشان کسی این خاطرات را ننشیده بود و برای مردم تازه‌گی داشت. بعد روی دو متن در داخل کتاب خیلی کار کردیم که مطالب خوبی شد. بعدها و صیقل‌نامه ایشان را به صورت تصویری در ۴۰ روایت به انتهای کتاب اضافه کردیم. مردم به حاج قاسم علاقه‌مند بودند، ولی مطلب کامل و جامعی را پیدا نمی‌کردند و وقتی نسخه الکترونیک کتاب درباره شهید سلیمانی در فضای مجازی بود و نسخ الکترونیک کتاب بالای یک میلیون بازدید داشت. چون تنها منبع موجود و رایگان درباره حاج قاسم بود همه جا حتی وزارت‌خانه‌ها از روی این کتاب مسابقه برگزار می‌کردند. در روستاها و شهرهای

مختلف این مسابقات برگزار می‌شد و به همین دلیل کتاب توسط افراد زیادی خوانده شد. **■ چه بازخوردهایی از کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» گرفتید؟**

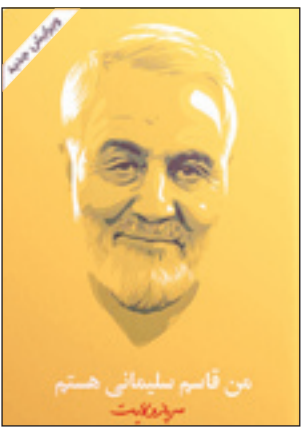
فکر می‌کنم در ایران کتابی مثل این کتاب مورد استقبال قرار نگرفته باشد. هر کس این کتاب را خوانده است مسابقه گذاشته یا در مسابقه شرکت کرده است. به نوعی این کتاب استارت اولیه برای چاپ کتاب‌های دیگر درباره حاج قاسم را زد. همین الان هم چندین دانشگاه و وزارت‌خانه به من زنگ زدند و اجازه خواستند از این کتاب برای فعالیت‌های فرهنگی‌شان استفاده کنند. جریان خوانش کتاب هنوز هم ادامه دارد. امروز یک کار جدید برای حاج قاسم کردیم و نام‌های را که ایشان به دخترشان نوشته به صورت یک نشر منتشر کردیم که کار خوبی هم شد. این قابل صوتی را تا الان چند هزار نفر دیده‌اند و بازخورد خوبی داشته است.

■ کتاب دیگری هم در رابطه با حاج قاسم دارید؟

کتاب جدیدی کار کردیم اما اسم حاج قاسم را در کتاب نزنیم. اسم کتاب «خاطرات درناک» است و شامل دو قسمت می‌شود. می‌گویند اگر می‌خواهید نوری را معرفی کنید باید ضد و مخالفش را هم معرفی کنید. ما در قسمت اول به معرفی داشتیم و جناب‌هایش پرداخته‌ایم و بعد به حاج قاسم رسیده است. اگر این سردار ایرانی نبود تروریست‌ها سراغ ایران هم می‌آمدند. ارزش کار حاج قاسم اینجا بیشتر مشخص می‌شود.

■ آن زمان که حاج قاسم را می‌دیدید و بحث انتشار خاطرات را مطرح کردید واکنش ایشان چه بود؟

اینطوری برداشت نکنید که من خیلی با حاج قاسم رفیق بودم. من حاج قاسم را یکی دو بار در برنامه‌های مختلف دیده بودم. وقتی این حرف را با ایشان مطرح کردم حاجی ایده انجام چنین کاری را دوست داشت ولی آنقدر کار داشت و زمانش کم بود که می‌گفت به بچه‌ها می‌گویم این کارها را انجام دهند. سر ایشان خیلی شلوغ و دائم در سفر و کار بود. با وجود این باز خودش هم کارهای فرهنگی کرده‌اند. دست به قلم‌شان خوب بود و نامه‌ای که به دخترشان نوشته خیلی تأثیرگذار است. یا دست‌نوشته‌هایی که الان چاپ شده منبع خیلی خوبی است. ما به نظر کافی نیست. کسانی



د وقتی گفته‌اند حاج قاسم یک مکتب است یعنی فراتر از الگوست. حضرت آقا برای هیچ‌کس لفظ مکتب را نگفته‌اند، ولی برای حاج قاسم واژه مکتب را به کار بردند. شهید سلیمانی از الگو بالاتر است و مثل جریان می‌ماند که راه افتاده است



که اطراف حاج قاسم بودند باید دائم از ایشان فیلم و صوت می‌گرفتند یا افرادی مثل راوی‌های زمان جنگ از حالات و کارهای ایشان می‌نوشتند. مثلاً وقتی به نبرد امرلی می‌رسیم اگر کسی اقدامات حاج قاسم را از کنار ایشان بگوید خیلی تأثیرگذار است تا اینکه کسی بخواهد از بیرون روایت کند. در مورد کارهای دیگر ایشان هم همینطور است. نبرد حلب هم به همین شکل است و اگر کسی اینها را از نزدیک روایت کند تأثیرگذاری‌اش دو برابر می‌شود. هر کدام از این نبردها مثل یک فیلم سینمایی است و باید آدم‌های مطلعی بیایند و روی این مقاطع از زندگی سردار سلیمانی کار کنند.

■ می‌توان گفت یکی از حسرت‌های به‌جا مانده این است که کمتر از حاج قاسم فیلم، صوت و نوشته داریم؟

بله، باید کسی که پایبند سردار سلیمانی می‌شد و با ایشان می‌رفت و فیلم و صوت می‌گرفت و می‌نوشت. اینها برای ما میراث است و ما الان از حاج قاسم میراث خیلی کمی داریم. گفتن روایت و خاطرات خیلی خوب است، اما ساختن مستند یا نشان دادن فیلم‌هایی از شهید سلیمانی تأثیرگذاری‌اش خیلی بیشتر می‌شد.

■ شما در خاطراتی که از شهید سلیمانی کار کرده‌اید بیشتر کدام مشخصه از ایشان برایتان جالب بوده است؟

من به عنوان کسی که چندین سال روی شخصیت او کار کرده‌ام می‌گویم که در تمام این سال‌ها از ایشان رسیده‌ام. اولین تعبیر اینکه حاج قاسم ابوالفضل انقلاب ما بود. شما ببینید حضرت در نبرد آخر چگونه با ایثار تمام آمد و از خودش گذشت. حاج قاسم نبرزی را رهبر فداکاری‌های زیادی کرده و ابوالفضل انقلاب بود. در مورد تعبیر دوم شاید چند سال دیگر به این حرف‌هایم برسیم. ولی ما از الان پیش‌بینی‌اش می‌کنیم. امام حسین (ع) پس از ۶۰ سال با شهادتش مکتب اسلام را زنده و حاج قاسم نیز با شهادتش پس از ۴۰ سال خون تازه‌ای در رگ‌های انقلاب جاری کرد. اگر اولین انقلاب خون شهید بهشتی و شهید رجایی انقلاب را بیمه کرد الان خون شهید سلیمانی این کار را انجام داد و بیمه‌کننده انقلاب بود. نکته دیگر اینکه شهید سلیمانی نمونه یک شیعه واقعی بود. امام زمان ۳۱۳ فرماده و بل مثل حاج قاسم می‌خواهد. این خیلی مهم است کسی در انسانیت داشت.

خاطره



دو خاطره کوتاه از شهید سلیمانی در آوردگاه‌های دفاع مقدس و دفاع از حرم

روزی که حاج قاسم شخصاً مقر امریکایی‌ها را شناسایی کرد

■ غلامحسین بهبودی
سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرماندهی میدانی بود که از ورود به هیچ آوردگاهی ابا نداشت. در خاطرات بسیاری از هم‌زمانش این حضور میدانی شهید سلیمانی نمود خاصی دارد. در گفت‌وگویی که با دو نفر از هم‌زمان این شهید گرفتیم یکی در دفاع مقدس و دیگری در دفاع از حرم داشتیم، حضور میدانی شهید سلیمانی در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین آوردگاه‌ها را مروری دوباره کردیم که شما را به خواندن این دو خاطره کوتاه اما جذاب دعوت می‌کنیم. با این توضیح که شهید سلیمانی در خاطره اول کمتر از ۳۰ سال داشت و در خاطره دوم بالای ۶۰ سال!

■ حاجی در ۵۰ متری یعنی‌ها
«عملیات والفجر ۸ بود. در منطقه‌ای با تعداد زیادی از نیروهای عراقی روبه‌رو شدیم. به ناچار به سکوی سیمانی یک توپ ۵۷ پناه بردیم. دیدم خود حاجی و شهید یونس را می‌فهمند. ایشان کنار این کارهایش می‌گوید برای آموهای منطقه در برف علوفه بگذارید و من به دعای حیوانات هم نیازمندم. این رفت در کنار شجاعت خیلی زیبایی دارد. مهربانی و شجاعت حاج قاسم بخش مهمی از شخصیت ایشان را شامل می‌شود. شهید سلیمانی همانطور که جلوی امریکایی‌ها ایستاد در سبیل دست‌نیزمندان و آسبند گردان را می‌گرفت و با خود می‌برد. وقتی گفته‌اند حاج قاسم یک مکتب است یعنی فراتر از الگوست. حضرت آقا برای هیچ‌کس لفظ مکتب را نگفته‌اند، ولی برای حاج قاسم واژه مکتب را به کار بردند. شهید سلیمانی از الگو بالاتر است و مثل جریان می‌ماند که راه افتاده است. ایشان از زمانی که یک نیروی ساده بود تا سال‌های حضور در دفاع مقدس و پس از آن نبرد با ضدانقلاب در جنوب کرمان و حضور در افغانستان و نیروی قدس و این جریان را ادامه داده و همواره در محور ولایت و مردم‌مداری حرکت کرده است.

■ شناسایی مقر امریکایی‌ها
در مقطعی از جنگ در جبهه سوریه، شهر حلب در محاصره بود. اخباری به گوش می‌رسید که امریکایی‌ها آمده و در گوشه‌های از منطقه مستقر شده‌اند. در همین حین هوایی‌ها از کوچک حاج قاسم روی زمین نشست. با چهار یا پنج نفر به استقبالش رفتیم. آنجا برای اولین بار حاجی را از نزدیک می‌دیدم. به ایشان اطلاع دادیم امریکایی‌ها در همین حوالی هستند. گفتن حاج قاسم بود و از نزدیک موقعیت آنها را ببیند. می‌خواستیم گزارش میدانی بگیریم. اصرار کردیم که شما نرو خودمان این کار را می‌کنیم. قبول نکرد. استدلالش این بود که باید خودش موقعیت امریکایی‌ها را با چشم‌های خود ببیند تا درک بهتری از منطقه و وضعیت آن به دست آورد. کلاهش را تا روی چشمش پایین کشید و همراه یک راننده به راه افتادند.

برای من که ایرانی نیستم و حاج قاسم را تا آن زمان از نزدیک نمی‌شناختم، خیلی عجیب بود یک ژنرال ایرانی و آن هم کسی که فرماندهی نیروی قدس را بر عهده دارد و شخصیتی در سطح جهانی دارد. می‌خواهد خودش به تنهایی به شناسایی میدانی برود. آن هم نه هر کجا که نزدیک مقر امریکایی‌ها. وقتی رفت دل توی دلمان نبود. احتمالاً هر اتفاقی را می‌دادیم، اما احتیاطی بعد دیدیم ماشین حاج قاسم دارد برمی‌گردد. ایشان همان چیزی را که می‌خواست و مدنظرش بود شناسایی و ثبت کرده بود. دوباره سوار هواپیما شد و رفت.

■ (راوی اورخان محمدصادف از رزمندگان آذربایجانی مدافع حرم)



من دست ایشان را گرفتم و گفتم: «حاجی بنشین. الان تو را می‌زنند.» دستش را کشید و گفت: «نگران من نباش. خدا بزرگ است.» موقعیت منطقه طوری بود که اگر عراقی‌ها ۵۰ متر پیشروی می‌کردند، سنگر توپ ضد هوایی را محاصره می‌کردند. در همین حین سه تا از بچه‌ها به نام‌های محمدعلی ابراهیمی، علیرضا حسن و پیکلر روی خاکریز رفتند روبه‌روی عراقی‌ها شروع به تیراندازی کردند. ما مهمات و خشاب پرت می‌کردیم و آنها هم نمی‌گذاشتند عراقی‌ها جلوتر بیایند. درگیری که شدید شد، آنقدر بچه‌ها اصرار کردند که عاقبت حاج قاسم گفت: «خودم می‌روم، شما کارتان نباشد.» بعد ایشان با قامت خمیده سعی کرد که منطقه برود که یک



طراح: علیرضا سجادی فر | شماره ۶۳۹۳

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سه در سه فقط یک‌بار به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۳۹۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶

از راست به چپ

- ۱- کاشتن بوته برنج - کشوری در شمال دریای کارائیب - بخیه لباس
- ۲- ای جان - فراوان‌ترین موجود زنده - درنگ و تأخیر
- ۳- قهوه‌های مایل به زرشکی - مزه آخرت - عمل دم و بازدم
- ۴- فرمانده - اراده - سکناسی از یک گزارش تلویزیونی
- ۵- شراب شاعرانه - قوم دخیج‌شده - نوشیدنی داغ - استخوانی در بالای ران
- ۶- گندم - پیروان - اسماعیلیه - کشور ورافتاده - دریا
- ۷- ولایتی در شمال افغانستان - نارنگی زاینی - وال
- ۸- شیرینی لوله‌ای - می‌وراید - ضمیر جمع - بادام کوهی
- ۹- بیان حکم اسلام به وسیله فقیه یا مفتی - کاشف قانون وراثت - تیب
- ۱۰- سه کیلو - همراه ناله - شروع ورزشی - برج کج
- ۱۱- حرکت کرم گونه - نیستر رگزی - رود فرسوی - صدمتر مربع
- ۱۲- محلی برای غرق شدن - یک لحظه - چشمه
- ۱۳- موسیقی بدون کلام - اشخاص - شهری در آذربایجان شرقی
- ۱۴- تروتمند - فرمانی نظامی - آبادی میان صحرا
- ۱۵- نفس خسته - به دریاچه ارومیه می‌ریزد - پول کاسبوج

از بالا به پایین

- ۱- مدفن علامه امینی - رئیس جمهوری نامدار پیشین زیمبابوه
- ۲- قرعه مساعد - حلق - ارماغن سفر
- ۳- بدن و جسم - فرزند شایسته - علم ذاتی
- ۴- کشور - از حروف یونانی - تخم مرغ فرنگی
- ۵- حرف انتخاب - حرف نفی عرب - بخشنده - از آن وارد می‌شود
- ۶- مایه حیات - کشور در آفریقا - شخصی
- ۷- اولین قومی که در ایران تشکیل حکومت داد - روز قیامت - آرایش کردن
- ۸- جوش جوانی - اولین نت - فلز سرشمه - مشک
- ۹- خوراکی از بادمجان - افسون رام کردن جانوران گزنده - لوس
- ۱۰- چین و شکن - هیچ فقری بالاتر از آن نیست - امر به گفتن
- ۱۱- چه وقت - مدافع بارسا - طایفه کم حرف - رطوبت
- ۱۲- تپه - ورزشی مفرح - اثر نقش
- ۱۳- مال و ثروت - دختر انگلیسی - نوعی سیم کشی ساختمان
- ۱۴- کبودی و ورم ناشی از ضربه - گیاه مرادب - نرمال
- ۱۵- برنده صلح نوبل ۱۹۹۳ - رود رنگی

جدول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵